

اصالت اثر

وزیر کی اصیل

دکتر محمد علی نویدی

سرشناسه	: ۱۳۴۲ - نویدی، محمدعلی،
عنوان و نام پدیدآور	: اصالت اثر و زندگی اصل / محمدعلی نویدی.
مشخصات نشر	: ۱۳۹۶. تهران : دایره دانش،
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص.
شابک	: 978-600-7111-54-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: تأثیر اجتماعی
موضوع	: Social influence
موضوع	: زندگی
موضوع	: Life
موضوع	: اندیشه و تفکر
موضوع	: Thought and thinking
رده - ی کنگره	: ۱۳۹۶ الف ۶ / HM۱۱۷۶
ه. بندی دیویی	: ۳۰۲/۱۳
شماره کتبی	: ۴۶۷۳۲۴۹



اصالت اثر و زندگی اصل

نویسنده	: نویدی، محمدعلی
مدیر نشر	: حامد جمالی نسب
صفحه آرای و طراحی	: علیرضا دارستانی فراهانی
نوبت چاپ	: اول - ۱۳۹۶
تیراژ	: ۵۰۰
قیمت	: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۱۱-۵۴-۳

دفتر فروش، تهران - خیابان انقلاب - روبروی تربیت بدنی دانشگاه تهران - جنب بانک صادرات -

کتابفروشی محسن

تلفن: ۶۶۴۹۳۶۶۲ - ۰۹۱۲۳۷۷۶۸۸۰

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ محفوظ و متعلق به انتشارات دایره دانش می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست مطالب

۱۱.....	پیش گفتار
۱۷.....	ضرورت اندیشیدن به اصالت
۲۱.....	لزوم شناخت اصالت ها
۲۵.....	تأملی در تلقی ها از اصالت
۲۹.....	در آمدی بر نقش اثرها در زندگی
۳۳.....	اندیشیدن به معانی اثر
۳۷.....	آگاهی درونی و اصالت اثر
۴۱.....	اصالت اثر و پرسش از زندگی
۴۵.....	اثرمندی، مدار و محور زندگی
۴۹.....	اثر حداقلی و اثر حداکثری
۵۲.....	اثرمندی و تحویل ناپذیری
۵۶.....	اثربخشی و ماندگاری
۶۰.....	مبانی و مبادی تولید اثر
۶۴.....	پویایی اثرها و پابندی زندگی ها
۶۸.....	اثربخشی عقل و توانمندی زندگی
۷۱.....	اصالت اثر و استراتژی زندگی
۷۵.....	اصالت اثر و گذر از خود خواهی
۷۹.....	اثریت متعلق اندیشیدن
۸۳.....	خود آگاهی و اثربخشی
۸۷.....	مراتب اثر و مواقف زندگی
۹۱.....	رشد عقلانی و درک اثرانی

۹۵.....	نقش اثرها در کشش‌ها و کوشش‌ها
۱۰۰.....	جوشش در اثرها و کوشش در عمل‌ها
۱۰۵.....	تحرک اثرها و تحریض اراده‌ها
۱۰۹.....	تنوع شغل‌ها و تنویر اثرها
۱۱۳.....	فرایند آشکار سازی اثرها
۱۱۷.....	اصلات اثربیت و عجالت عاربت
۱۲۲.....	اثربخشی و عاربت شکنی
۱۲۶.....	اثرهای مثبت و اثرهای منفی
۱۳۰.....	نقش اثر در نیک بختی زندگی
۱۳۵.....	زندگی برابر نهاد زندگی
۱۴۰.....	میزان اثر و محک مقایسه
۱۴۵.....	فرایند حرکت از مقایسه محوری به اثربخشی
۱۴۹.....	بقیت عمل گواه اصلات اثر
۱۵۳.....	اصلات اثر و قوت عمل
۱۵۸.....	اثرگذاری و اسم گذاری
۱۶۱.....	امتداد اثر و امکان زندگی
۱۶۵.....	بقای اثر علت بقای زندگی
۱۶۹.....	چرخه اثرها و چرخش زندگی
۱۷۴.....	ویژگی‌های اثرهای راستین
۱۷۸.....	اثرمندی و غایت مدار در زندگی
۱۸۲.....	اتحاد اثرها و انفتاح گره‌ها
۱۸۶.....	اهداف افعال و زندگی فعال
۱۹۰.....	اصلات اثرها و نقش ابزارها
۱۹۵.....	واژگونی رفتارها و وارونگی اثرها
۱۹۹.....	آشفته‌گی اندیشه‌ها و آلودگی اثرها
۲۰۳.....	کنش واقعیت و واکنش زندگی
۲۰۸.....	اصلات اثر و اندیشه ورزی
۲۱۲.....	اساس اندیشه و اصلیت اثر
۲۱۵.....	اصلات اثر، جهل‌ها و جهدها
۲۲۰.....	آفات جهل‌ها و آثار جهل‌ها

۲۲۴	علم متمم و جهل مخرب
۲۲۸	اصالت اثریت و شأن انسانیت
۲۳۲	اصالت اثر و اراده اصیل
۲۳۷	اثرگذاری و ثمر بخشی
۲۴۱	عبث کاری و اثرمندی
۲۴۶	مجال برای اندیشیدن در عمل‌ها و اثرها
۲۵۰	قوام اثرها و فزونی قابلیت‌ها
۲۵۴	اثر قانون شرط ثمر زندگی
۲۵۸	اثرهای ملایم و اثرهای منافی
۲۶۳	اثرهای وجودی و اثرهای عدمی
۲۶۸	حقیقت اثر و حکمت زندگی
۲۷۳	اصالت اثر و ارزش عمل
۲۷۹	برخی از شاخص‌های اصالت اثر زندگی اصیل
۲۸۵	پرسش از انسانها و پاسخ از اثرها

پیش گفتار

سخن از اصالت اثر است، تلاش برای تبیین اصیل بودن اثرها است؛ بحث از زندگی و واقعیت حیات بشری است، موضوع حقیقت و نسبیت اثرها و نقش اثرمندی‌ها است، مطلب در خصوص زندگانی و زنده بودن و زندگی کردن و انسانی و چگونگی و چندی و جونی زندگی و نسبت آنها با اثرها و اصل‌ها است.

زندگی، پرسش و سؤال هر زمانی و هر مکانی انسان است. چنین پرسشی، پرسش فراگیر و همیشگی و سرنوشت ساز و حیاتی و زندگی ساز نوع بشر است. پرسش از مبانی و مبادی و مطالب و مباحث و مسایل و مشکلات و راه کارها و راه چاره‌ها و راه گشودن راه‌نمایی‌ها و راه‌ها است؛ سؤال از نحوه ی جست و جوی حقیقت و واقعیت و ریشه‌ها و اصل‌ها و اصالت‌ها و بنیان‌های زندگی انسانی است، پرسش از انسانیت و امر اصیل و کانونی و جان زندگانی است، پرسش از است‌شناسی و تباردانی و بنیان فهمی زندگی بجای توصیف و توجیه معلولات و معلومات و عوارض حیات بشری است؛ پرسش از آغازها و انجام‌ها و بودن‌ها و شدن‌ها و رسیدن‌ها و نرسیدن‌ها و تغییر یافتن‌ها و ثابت ماندن‌ها و اندیشه‌ها و عمل‌ها در زندگی است.

چرا اندیشیدن به اصالت اثر ضرورت دارد؟ به تعبیر دیگر، لزوم و حاجت اندیشیدن و کوشیدن در مورد اصالت اثر و واقعیت اثرها از کجا نشأت می‌گیرد؟

اندیشیدن و کوشیدن در ذات و فطرت و شأن انسانی، انسان است؛ اندیشیدن و کوشیدن با جست و جوی حقیقت و حق و اصل زندگی مرتبط می‌باشد؛ اندیشیدن و کوشیدن، هم با ریشه‌ها و تنه‌ها و بدنه‌ها و ساقه‌ها و شاخه‌ها و شاخسارها و برگ‌ها و هم با میوه‌ها و ثمرها و سایه‌ها و بارها، سر و کار دارد؛ درخت زندگی، تنها از میوه‌ها و ثمرها و سایه‌ها، تشکیل نمی‌شود؛ درخت زندگی از ریشه‌ها و اصل‌ها و علت‌ها و عوامل و شرایط و امکانات و تمهیدات و اثرها ناشی می‌شود و به ثمر می‌رسد.

اندیشیدن و کوشیدن در تبارمندی زندگی و نقش عوامل و علت‌ها در زندگانی و حیات، و تفکر و عمل در بنیان و بن زندگی، با مدار و محور و مرکز زندگی ارتباط دارد؛ زنده بودن و زندگی کردن با اندیشیدن و کوشیدن در اصل‌ها و اصالت‌ها امری ذاتی و گریزناپذیر و شایسته شأن انسان و منزلت و مقام تکوینی آدمی است؛ اندیشیدن و کوشیدن به واقعیت و عینیت حیات بشری، فرق نوع زیست انسان با سایر موجودات و مخلوقات است، چرا که، زندگی در خلأ و در فضا و در محیط تهی و خالی امکان پذیر نیست، بلکه زندگی در متن و بطن واقعیت صورت می‌گیرد و واقعیت با اثرها و اصل‌ها و فرع‌ها و ثمرها مرتبط می‌باشد؛ اندیشیدن و کوشیدن، فهمیدن و درک کردن و عمل نمودن و اقدام کردن، و ارتباط و پیوستگی داشتن با اوضاع و احوال گذشته و تاریخ، حال و اکنون، و آینده و آتیه سر و کار دارد؛ زندگی، ارکان و عناصر خود را از دیروز و امروز و فردا می‌گیرد، و زمان دارای محتوای حقیقی و موجودیت واقعی و اثرمندی زبر است؛ زمان جلوه و ظرف زندگی است.

ضرورت اندیشیدن و کوشیدن به فهم و درک واکنش و اصالت اثر، از لزوم و ضرورت و حتمیت حاجت انسان به توجه و تعیین و تعیین آدمی نسبت به سعادت و شقاوت و خوشبختی و نگون بختی خود ناشی می‌شود؛ زیرا، اندیشیدن و کوشیدن در اصالت اثر و زندگی اصیل، با نیروها و توان‌ها و نتایج و انرژی‌ها و ریشه‌ها و مبداها و مصدرها و مسیرها و معبرها و مقصدها، مقصودها، مرتبط است؛ چون، انسان بی مصدر و مبدأ و مسیر و مقصد یافت می‌نشود. اصالت اثر با عقل ورزی و اندیشه مندی و عمل آوری و تشخیص و تجویز و تمییز و قوت و قدرت و کنش و واکنش سر و کار دارد؛ چون، ریشه شناسی و ثمردانی کار فهمیدن و ادراک کردن و تلاش و تقلا نمودن است. آیا زندگی، جز عقل ورزیدن و عمل کردن و اثر تولید نمودن چیز دیگری است؟

ضرورت اندیشیدن و کوشیدن در باب اصالت اثر از نیازمندی و فقرذاتی و عملی به حق و حقیقت و واقع و واقعیت و اساس و اصل‌ها ناشی می‌شود؛ حق و حقیقت پایه و ریشه و بنیان زندگی و اثرها است؛ حق منشأ اثر است، و مؤثریت و اثرمندی معرف و ممیز حق و حقیقت و واقع و واقعیت از امر غیر واقعی و کاذب است. زندگی انسان با عقل و انتخاب و اختیار و اراده و عمل و اثر عجین و

آمیخته است؛ اندیشیدن و کوشیدن به اصالت اثر ها، امکان و شرط آگاهی و آزادی را برای حیات بشری فراهم می‌کند؛ از نتایج و ثمرات این اندیشه و عمل در خصوص اصالت اثر است که، آدمی نیک‌ها و نیکی‌ها و خیرها و نافع‌ها و سودمندی‌های امور و کارها را از غیر نافع و عبث و اجل و انتزاع، تمیز و تشخیص می‌دهد و انتخاب می‌کند و حیات طیب و طاهر تدارک می‌بیند و زندگی بالنده تحقق می‌یابد.

ضرورت اندیشیدن و کوشیدن به اصالت اثر، از حب و ارادت ذاتی و فطری و عقلی به بقا و باقی ماندن و پای دار گشتن زندگی و هستی انسان ناشی می‌شود؛ زیرا، اثرها باقی مانده‌های عمل‌ها و عقل‌ها و تلاش‌ها و کوشش‌های زندگی انسان هستند؛ در این نکته ژرف اندیشی و باریک بینی و عبرت‌مندی و تامل‌یابی نیاز است؛ امور حالات و کیفیات و آثار و نتایج گونه‌گون دارند؛ امور و کارهایی که دارای اثرهای ماندگار و تأثیرگذار و پایدار می‌باشند و در واقعیت زندگی نقش کلیدی ایفا می‌کنند، باقی و انا و یا هستند، چنین اثرهایی چرخ زندگی را می‌چرخانند؛ و در این میان اثرهای مغلوب و مکنون در میان ما می‌مانند و ظهور و آشکارگی پیدا نمی‌کنند و در نتیجه در زندگی نقش اصلی ایفا نمی‌کنند، یا از ضعف سیستم و بی‌رمقی جان و نیروی تأثیر در زندگی اثر ندارند؛ پس، اصالت در زندگی با اثرهای قوی و مؤثر و مفید و فعال است؛ معنی اصالت اثر در زندگی از این زاویه و افق فکری و عملی قابل درک و دریافت می‌باشد.

چرا اثرها اصالت دارند؟

چون زندگی و انسان با امور واقعی و حقیقی و عینی سر و کار دارد، امکان زنده ماندن و استمرار زندگی جز با واقعیت و حقیقت با چیز دیگری ممکن نیست؛ واقعیت اثرها و از طریق اثرها تجلی و ظهور می‌کند، یعنی، اثر واقعیت است که تجسم و تمثل و تأثیر گذار می‌شود؛ اثر معنایی بس عمیق‌تر و دقیق‌تر از معنی مادی و محسوس و ملموس و مشهود دارد، اثر نیروی زندگی است، اثر توان تغییر و کار و عمل و فعل و اندیشیدن است، اثر انرژی امور است، اثر علامت راه و راهنمای حیات بشر است، اثر اول‌پدیده قابل درک انسان در زندگی است، اثر واقعیت و وجود تعبیر شده و از خفگی درآمده و بر ملا گشته و تجلی یافته است؛ اثر قوه و توان و قدرت بیدار شده‌ی قوای خفته و نهفته و استعدادهای مکتوم و مخفی است؛ اثر زندگی است و زندگی اثر است.

اگر نیک بنگریم، زندگی دو بال پرواز دارد : بال اندیشیدن و بال کوشیدن؛ یا بال و پر عقل و حق، و بال و پر اراده و عمل؛ هر دو بال تنها زمانی امکان پرواز و اوج زندگی را فراهم می‌کنند که اثرمند

و نیرومند و توانمند باشند؛ بدون نیرو و اثر امکان پرواز نیست، زندگی بدون توان و نیرو، تهی و میان خالی است؛ اثر نیک اندیشیدن و نیک اندیشی و اثر نیک عمل کردن و نیک کوشیدن، اصل و بنیان زندگی است.

اثر گمشده و مرکز اصلی جست و جوها و کاوش‌های عقلی و اندیشگی بشر در زندگی بوده است؛ شاید، چندان توجهی به این کانونی ترین متعلق جست و جوی خویش و زندگانی ننموده باشد، اما، پیوسته دغدغه خوشبختی و خوش اقبالی و جفت و جور شدن ستارگان و امور زندگی را داشته است و دنبال اثر نیک و خیر در زندگی بوده است و اگر به اسطوره‌ها و افسانه‌ها چنگ می‌زده است، برای چی بوده است؟ جز برای پیدا کردن و یافتن اثر نیکو؟ اگر به خرافات و جادو و سحر و راز و رمزها می‌اندیشید، چه چاره کار و حل و گشودن گره‌های زندگی را در توسل به امور غیر واقعی و غیر علمی جست و جوی کرد، برای دست آوردن و بهره‌مندی از اثرهای مفید و نیک بخت شدن بوده است؛ اگر تعالیم انبیاء را می‌پسندید و پیروی از رسولان خدا می‌کرد برای نجات و سعادت و نیک بختی و داشتن اثرهای نافع بود است؛ اگر به سخن و کلام متفکران و حکما گوش می‌داد و آن آموزه‌ها را مغتنم می‌شمرد به منظور اثر بخشی و ارمندی در زندگی بوده است؛ و اساسا، هر فکری و عملی در پی اثری است، از حکمای ایران، استانی و فاریابی، گرفته تا فلاسفه یونان قدیم و پیش سقراطیان و پس سقراطیان و افلاطون بزرگ و ارسطو، حکیم و افلاطونیان و ارسطویان و اسکندرانیان و رومیان و جندی شاپوریان و فلاسفه و متفکران ایران اسلامی، دوره تمدن اسلامی و مشرق زمین و قرون وسطای مغرب زمین و فلاسفه مسیحی و یهودی و مسیحی اندیشمندان دوره آغازین رنسانس و اروپا و متفکران بزرگ و بنیانگذاران تحول علمی و فرهنگی، و دانشمندان دروه روشنگری و خردمندی و ابتکارات و انقلابات علمی و صنعتی و نوابغ رشد و تغییر ستابان علم و فناوری و اختراعات و اکتشافات و حتی در قرن بیستم و یکم و عصر حاضر، همه و همه در تولید اثر و اثرها وجه مشترک و متصل دارند؛ گویی، این متفکران و دانشمندان، دانه‌های متفرق هستند در زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت، اثر رشته و اصل اتصال این اندیشیدن‌ها و کوشیدن‌ها است.

زندگی بدون این اندیشیدن‌ها و کوشیدن‌ها، چه چیزی در محتوا و درون مایه خود دارد؟ زندگی بر شانه‌های این اندیشه‌ها و حقایق و کوشش‌ها و اختراعات و اکتشافات و تکنولوژی‌ها و تکنیک‌ها و میراث علمی و عملی تکیه زده است و فرهنگ و تمدن بشری در بلندای این عقل‌ها و عمل‌ها و اثرها ایستاده است؟ گواه این حقیقت تاریخ و تجربه و دانش و وجدان سلیم بشری و میراث زندگی جمعی آدمی است. پرسش از وزانت و سنگینی و نقش آفرینی و تأثیر گذاری و تغییر دهنده‌گی و پیش

برندگی عامل و علل و نیروهای زندگی است؛ به نظر صاحب این فکر و قلم، اثرها نقش عینی و عملی و واقعی و اصیل در زندگی ایفا می‌کنند و رکن زندگی و اندیشیدن و کوشیدن‌های بشر هستند. اثرها، عامل و نیروی کشش و تمایل و کوشش و جدیت در زندگی می‌باشند.

آیا امکان گشودن راه‌های نو در اندیشیدن و کوشیدن هست؟

انسان تا زنده هست و زندگی تا برقرار و دایر است، امکان گشوده شدن و راه پیدا کردن و شیوه‌های جدید یافتن و کشف کردن وجود دارد. شاید، بهترین و متقن‌ترین و واقعی‌ترین برهان و علت و دلیل اصالت اثر در زندگی، پرسش و جست و جوی در اصل و متن زندگی باشد؛ واقعیت زندگی، برهان صداقت اصالت اثر و اثرمندی است؛ برهان تأثیر اصیل اثرها در زندگی؛ چون در واقعیت و عینیت زندگی‌ها داریم، پس راه‌ها، شیوه‌ها و روش‌ها و رویکرها و دیدگاه‌ها و نگرش‌ها داریم، بنابراین، علم‌ها و عمل‌ها و اندیشیدن‌ها و کوشیدن‌ها داریم، و چون چنین است، اثرهای گوناگون و مختلف داریم، لیکن، در اینکه زندگی بدین اثر زندگی نیست یک حقیقت و واقعیت بدیهی و صدق زندگی است؛ شرط زندگی پویا و بسته در دوران‌ها و اعصار و امکانه و ازمنه، هوشیاری و بیداری در دام و اسارت تاریخ نیفتادن و در باتلاق اندیشه‌ها، بهمه و پوسیده گرفتار نشدن است؛ چون، زندگی پویانده و متحرک و متحول و متطور می‌باشد، کشف طایع اندیشه‌های نو یک ضرورت و حاجت بین و بارز است؛ از جانب دیگر، در زندگی همواره موضوعات و مسایل و مشکلات و مباحث مستحدثه و جدید خودنمایی و ظهور پیدا می‌کنند؛ بنابراین، ظهور اندیشه‌های نو و تازه و آغاز کوشش‌های پرتوان و پر قدرت نیاز ذاتی و مبرم زندگی است؛ شاید، اندیشه و کوشش در خصوص اصالت اثر از چنین تلاش‌ها و کاوش‌ها باشد. اثر در زندگی قابل تحویل و تقلیل به هیچ چیز نیست؛ اختلاف‌ها و تفاوت‌ها و تمایزها طبیعی و فطری و یا حتی اکتسابی و انسان ساخته، تنها با اصالت قابل دادن اثرها و اثرمندی‌ها، قدری قابل تلطیف و رفق و مدارا هستند؛ چون اصالت اثر، گذر از اصالت انتزاع و اجل و عاریت است؛ جهان انتزاع، قلمرو زیست انسانی نیست؛ یعنی، زندگی اثربخشی و اثرمندی نیاز دارد؛ انجماد ذهن و انسداد عملی و انقباض و انقراض اثرها؛ سبب افول و تباهی زندگی‌ها می‌شود؛ در نظر بگیریم زندگی و فرد و جامعه‌ای که اثر تولید و توزیع نکند، به چه ماند؟

هویت و شخصیت و تعین و تشخیص زندگی به اثرها و اثربخشی‌ها است، خشک مغزی و خشک اندیشی، موجب اثر سوزی و سوختن زندگی‌ها است؛ اثر در مقابل اسم و اعلام‌ها و ظاهر و بی اثری است. زندگی با اثرها، به پویایی و شکوفایی می‌رسد؛ این حقیقت هم در تاریخ و به تجربه و دوران‌های تمدنی و فرهنگی به ثبوت رسیده و هم با براهین عقلی سازگار و موافق است و در متن زندگی قابل

مطالعه و تحقیق و بررسی و معاینه می‌باشد؛ اگر نظام‌های تربیتی و قواعد رشد یافتگی و برنامه‌های توسعه بر مبنای اثربخشی باشد به شکوفایی زندگی و مثمر ثمر بودن زندگانی یاری جدی می‌رساند؛ اصالت اثر به بالندگی منابع و سرمایه‌های زندگی می‌اندیشد و می‌کوشد؛ اصالت اثر به بیداری و شکوفایی استعدادها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی و بیرونی زندگی فکر می‌کند و آن را مورد اعتنا و اهتمام قرار می‌دهد؛ اصالت اثرها، اصل را عقل و عمل و واقعیت و حقیقت می‌داند، نه احساس و انتزاع صرف و خیال و عاطفه محض. اصالت اثر، به آینده زندگی توجه و تظنن دارد؛ اصالت اثر با امیدها و ساختن‌ها و بهتر شدن‌ها و بهبود یافتن‌ها و خرمی و خوشی و خیری زندگی مرتبط است؛ و این مقولات را بسیاری دیگر، زندگی سازند و آینده به این معنا و عمل و اندیشه محتاج می‌باشد.

بر اساس این تفکر و نحوه‌ی اندیشیدن و کوشیدن، روش تتبع و کاوش‌های عقلی و عملی، به صورت مقاله‌های کوتاه و مطالب و نوشتارهای مجمل و فشرده اندیشیده و به نگارش در آمده است؛ و بسیاری از این گونه‌ها "در طبوعات" خصوصاً روزنامه وزین ابتکار و همدلی" پیش از این به چاپ رسیده است، که جای قدردانی و کمال تشکر از مدیران و مسئولان آن جراید دارد. از دوست عزیزم جناب آقای حامد جمالی بسپار هم کاران انتشارات دایره دانش نیز نهایت سپاس و قدردانی را دارم.

یقین می‌دانم این کتاب، چنانکه شایسته و معقول و حق مطلب و موضوع است، اندیشیده و پرداخته نشده است، مراد و منظور گشودن بحث و پیش نهاد اندیشه جدید در اندیشیدن و کوشیدن‌ها بوده است، گاهی زود، دیر می‌شود و راه بسته می‌گردد، این اندیشه و نگرش و شیوه عمل، سال‌های متمادی است که فکر و دل و جان اینجانب را به خود مشغول داشته است؛ امید به حق سبحان و خدای حکیم دارم، این اثر مختصر در مسیر زندگی یاری گر انسان‌های قهار دار خرد و خردمندی و هم نوعان مکرم باشد. ان شاءالله